




شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم در تفسیر الکاشف شیخ محمدجواد مغنیه

و دلالت‌های تربیتی آن

اعظم نیکبخت^۱ | طاهره محسنی^۲ 

DOR:20.1001.1.22516972.1403.32.62.4.9

۶۲

سال سی و دوم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

صص: ۱۳۸-۱۰۹

شابا چاپ: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

در عصر حاضر بررسی و شناخت قوم یهود و به تبع آن صهیونیسم به دلیل آسیب‌هایی که به اسلام روا داشته‌اند داری ضرورت انکارناپذیر می‌باشند و نپرداختن به این واقعیت باعث بروز شبهه و غفلت از اهداف صهیونیسم است. از سویی پیچیدگی‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی و نژادی این قوم، شناخت مبنایی آن را فقط از طریق آیات وحی ممکن نموده است. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم در تفسیر الکاشف شیخ محمدجواد مغنیه می‌باشد. این پژوهش از نوع هدف کاربردی و روش تحقق آن توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات پژوهش به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج این بررسی نشان داد که شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم شامل جمود فکری، کتمان حقایق، جهل و بینش محدود را شامل می‌شود. با بررسی پیشینه و یافته‌های پژوهش و همچنین بررسی آیات مورد نظر با تکیه بر تفسیر الکاشف می‌توان به این نتیجه رسید که یهود صهیونیسم وارث همان افکار یهود زمان پیامبر و حضرت موسی (ع) هستند، در کشورهای اسلامی همواره به دنبال مطامع دنیوی و رسیدن به جاه و مقام و قدرت سیاسی بوده و برای نیل به این اهداف از هیچ ظلم و ستمی فروگذار نمی‌باشند.

کلیدواژه‌ها: یهود صهیونیسم، اندیشه صهیونیسم، تفسیر، شیخ مغنیه، قرآن

۱. نویسنده مسئول: دکتر، مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر، تهران رشته تفسیر تطبیقی، تهران، ایران،

Email : nikhakht52@Yahoo.com

۲. استادیار، هیئت علمی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) پردیس خواهران ، تهران، ایران،

استاد: نیکبخت ، اعظم و محسنی ، طاهره (۱۴۰۳)، شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم در تفسیر الکاشف شیخ محمدجواد مغنیه

و دلالت‌های تربیتی آن، **پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی**، ۳۲(۶۲)، ۱۳۸-۱۰۹.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.62.4.9>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندگان

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

در تحلیل گفتمان قرآنی هرچند نامی از صهیونیسم یهودی نیامده است اما قرآن چه در مقام بیان شاخص‌های فکری بنی‌اسرائیل به عنوان یهود زمان حضرت موسی (ع) و چه یهود زمان پیامبر گرامی اسلام در آیات متعددی به انواع رویکردهای یهود اشاره نموده است. به عنوان مثال در آیه چهارم از سوره مبارکه اسراء به افساد بنی‌اسرائیل همراه با برتری‌جویی ایشان اشاره نموده است و یا در آیه شصت و یکم از سوره مبارکه بقره بنی‌اسرائیل را مردمی متجاوز و گناهکار معرفی نموده است. اما آنچه حلقه واسط نوشتار حاضر در مقام تطبیق شاخصه‌های فکری یهود صهیونیسم حاضر با یهودی که در قرآن از کیفیت فکری ایشان پرده برداشته شده است حائز اهمیت است دیدگاه عصری و اجتماعی مفسرین است که محوریت بحث حاضر حول دیدگاه‌های ایشان قرار است بررسی گردد، یعنی دیدگاه تفسیری شیخ مغنیه در تفسیر الکاشف. در مورد تحلیل گفتمانی قرآنی این مورد قابل ذکر است که تشکیل صهیونیست در واقع بخش عظیمی از معارف قرآن در حیطه ویژگی‌های فکری یهود است، آنچه در رفتارشناسی یهود حاضر بر مبنای اصول حاکم بر تفکر ایشان نمود یافته است چه در تعاملات بین‌المللی‌ای‌شان با سایر ملت‌ها و چه رویکرد آخرالزمانی ایشان در حوزه اندیشه و چه با رویکردهای اشغالگرانه یهود صهیونیست در تعاملات منطقه‌ای بازخوانی می‌گردد. در واقع نمود عینی بنیادهای فکری است که رفتارشناسی را تبیین می‌کند. یهودیان خود را قوم برگزیده خداوند می‌دانند و بر خلاف مسیحیان و مسلمانان که دینشان را جهانی می‌دانند، یهودیان، رستگاری را منحصر به قوم یهود می‌دانند و پذیرش دین یهود را از طرف دیگران صحیح نمی‌دانند و معتقدند که یهودیت تنها از طریق نسل و پدران منتقل می‌شود. از این رو صهیونیست نام حزب سیاسی بود که در میان یهودیان تشکیل شد و معتقد به تشکیل کشور مستقل در فلسطین و گسترش آن از نیل تا فرات است. همچنین صهیونیست نیز معتقد به برتری نژادی یهود بر دیگران است و به همین خاطر یک اعتقاد نژادپرستانه را دنبال می‌کند و نیز معتقد به پیشبرد اهداف خود با قدرت نظامی و سلطه‌گری بر دیگران هستند، و این اعتقاد در میان بسیاری از یهودیان وجود دارد و غالباً طرفدار صهیونیست هستند.

قرآن در میان همه ادیان آسمانی و پیامبران الهی گذشته، بیشترین شرح و تفصیل را به دین یهود اختصاص داده است. در میان کتاب‌های روایی نیز به تفصیل به این موضوع به طور خاص پرداخته شده است. کتاب‌های تفسیری بسیاری از جمله: مجمع البیان تفسیر نمونه، المیزان، پرتوی از قرآن، تفسیر جامع، تفسیر نور و ... در شرح آیاتی که در مورد یهود بوده است به تفصیل سخن به میان آورده‌اند. همچنین کتاب‌هایی در مورد این موضوع نوشته شده است، از جمله: «تاریخ زندگانی پیامبر خاتم (ص)» نوشته جعفر سبحانی، «یهود از نظر قرآن» نوشته عبدالفتاح طباره، «جنگ‌های پیامبر (ص)، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد در صدر اسلام» نوشته محمد حمید الله، «تاریخ دوران پیامبر (ص)» نوشته جعفر سلطانی، «چهره یهود در قرآن» نوشته عقیف عبدالفتاح الطباره، «تاریخ ادیان جهان» نوشته عبدالعظیم گواهی، «نخستین حکومت اسلامی» نوشته صفاری زاده، «درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن» نوشته عبدالرحیم گواهی و ...

بر این مبنا شناخت نظام‌های سیاسی حاضر از جمله جریان سیاسی صهیونیسم که منطقه خاورمیانه و عرصه جهانی جایگاهی را به خود اختصاص داده است امری مهم و ضروری جلوه می‌نماید این نوشته در صدد آن است که با بررسی برخی ریشه‌ها و بن‌مایه‌های شکل‌گیری این نهضت گامی هرچند کوچک را در امر در شفاف‌سازی درباره این جریان بردارد. (خزائی، ۱۳۸۹: ۲۲). از این رو اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر حاکی از این است که نظام‌های سیاسی در عصر حاضر نقش به‌سزایی در مسائل مربوط به جامعه خود و حتی گاه فراتر از مرزهای آبی و خاک‌های ایفا می‌نمایند همین گستردگی سبب می‌شود که در تمایز دادن یک جریان از جریان دیگر و عملکرد آن در پاره‌ای از موارد، دچار مشکل شویم.

یهودی‌ها، وحدت نژادی و قومی و تداوم باورهای مذهبی خود را از راه تعلیم و تربیت حفظ کرده‌اند و این جریان، عمقی به قدمت تاریخ دارد. محور بودن درس‌های یهودی به تأکید شدیدی بر «ملت بی‌همتا» انجامیده است. همچنان که این مطلب به روشنی از اهداف اعلام شده در مقدمه شرح دروس تورات، تلمود، تاریخ و حتی موسیقی و هنر آشکار می‌گردد. همه این مواد از راه توجه به برتری ملت یگانه و بی‌همتای یهود، تأکید بر نوآوری‌های معنوی و اخلاقی یهود و مشارکت این قوم در تمدن انسانی، «غرور ملی و خودستایی» را کشت می‌دهد.

تضاد یهود از اسلام از نسلی به نسل دیگر منتقل و به فرهنگ اسلام‌ستیزی در بین این قوم مبدل شد. یهودیان صهیونیست که مدعیان وحدت یهود و سلطه آن بر جهان هستند، در زمان افول امپراطوری عثمانی فرصت را غنیمت شمرده و با حمایت دولت‌های استعمارگر انگلیس و آمریکا و با شعارهای به ظاهر «دینی، توراتی» فلسطین را ارض موعود معرفی کرده و دولت یهود را بر خرابه‌خانه‌ها و کشتگان ملت مظلوم فلسطین بنا نهادند. (رامهریزی، ۱۳۸۹: ۱۰)

عمل کرد صهیونیسم در جامعه جهانی به گونه‌ای بوده است که او را هم ردیف آیین یهود میدانند در حالی که این دو از یکدیگر کاملاً جدا هستند. اندیشه صهیونیسم بیش از یک قرن تجاوز نمی‌کند و صرفاً یک اندیشه نظامی بیش نیست و تلاش ما در این پژوهش واکاوی این مهم می‌باشد به گونه‌ای که ساحت آیین یهود هر چند تحریف‌شده را از این جریان سیاسی جدا سازیم. (خزائی، ۱۳۸۹: ۲۱)

هدف از این نوشتار تخطئه و یا یهود‌ستیزی نیست بلکه هدف و مقصود واقعی ما، تجزیه و تحلیل تاریخ صهیونیسم و روشن ساختن ماهیت اصلی این جنبش است. هر چند تنها در این نوشتار دو بعد از ابعاد و عواملی که در شکل‌گیری این جریان نقش داشته‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهیم اما این دو جنبه خود دارای اهمیت فراوانی هستند که خواننده گرامی با پیگیری مطالب این نوشته می‌تواند به حساس بودن این دو شاخه پی ببرد.

صهیونیسم نام یک جریان فعال سیاسی است که خاستگاه اصلی آن را می‌توان در اروپا پیدا کرد. از میان یهودیان می‌توان گفت بنیان‌گذار اصلی این حرکت «تئودور هرتزل» است. وی در اواخر قرن ۱۸ م توانست نخستین کنگره بین‌المللی صهیونیست را در شهر بازل سوئیس برگزار کند و در این میان با صدور اعلامیه بالفور جایگاه نامشروع آن را موجه نشان دهد.

این جنبش برای توجیه مقاصد توسعه طلبانه خود به تاریخ قوم یهود به عنوان یک ابزار نگاه می‌کند و نه تنها این تاریخ فرهنگی بلکه تاریخ دینی یهود را نیز برای منطقی جلوه دادن عملکردهای خود مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. این گروه بر این باورند که نه تنها فلسطین بلکه از نیل تا فرات جزء سرزمین‌های اجدادی آن‌هاست و برای مستدل نمودن سخنان خود به تورات و تلمود (دو منبع اصلی آیین یهود) استناد می‌کنند. (خزائی، ۱۳۸۹: ۲۰)

به تبع بزرگ‌ترین آرمان آیین یهود، هدف تربیت نیز حفظ حیات قومی است. برای تحقق این امر لازم است که هر یهودی به عنوان عضو جامعه یهود، هویت یابد. این کار مهم‌ترین وظیفه تربیتی محسوب می‌شود. تلمود صریحاً می‌گوید: وظیفه و مسئولیت اصلی که بر عهده والدین گذاشته شده این است که فرزندان خود را برای سراسر عمر به عنوان اعضای جامعه یهود تربیت کنند. هدف این تربیت آن است که ایشان را به صورت حلقه‌های محکم و مطمئن در زنجیر پیوستگی ملت اسرائیل در آورند تا میراث مذهبی که به وسیله نسل‌های پیشین به پدران رسیده است، بدون آنکه خللی در آن راه یابد، به فرزندان و نسل‌های بعدی منتقل شود (تلمود: ۱۹۱).

در واقع آنچه درباره تربیت اجتماعی در آیین یهود می‌توان ارائه کرد، سه نکته مهم را در برمی‌گیرد: نخست آنکه، تعریف جامعه در این منظر جامعه یهودی است نه جامعه انسانی که اعم از یهود و غیر یهود است. دوم آنکه، رهنمودهایی که در این باره ارائه شده، حُسن همزیستی باهم کیشان را محور توجه قرار داده است. بر این اساس، به معاشرت با هم‌نوعان تأکید می‌کند که: «دو نفر بهتر از یک نفرند (یهودا، صدری پور و کهن، ۱۳۹۰: ۶۷)»؛ توصیه‌هایی از این نوع به کرات در تلمود ذکر شده است. اما آنچه شاهد اختصاص این توصیه‌ها به هم کیشان است، نوع رابطه‌ای است که در ارتباط با غیر یهود توصیه شده است: «وقتی یک یهودی و یک بت پرست برای اقامه دعوی به نزد تو می‌آیند، اگر می‌توانی یهودی را از روی قوانین یهود، حاکم اعلام کنی، این کار را بکن و به آن بت پرست بگو قانون ما چنین است. اگر بت‌وانی یهودی را از روی قانون بت پرستان، حاکم اعلام کنی، این کار را بکن و به آن بت پرست بگو که قانون شما چنین حکم می‌دهد (یهودا، صدری پور و کهن، ۱۳۹۰: ۶۷)».

پژوهشگرانی که درباره‌ی تروریسم صهیونیستی تحقیق می‌کنند، با مورد نادری روبه‌رو می‌شوند که در سایر روش‌ها و نمونه‌های تروریسم - با هر عقیده‌ی سیاسی یا نژادی - مصداق ندارد. روشی که صهیون‌گرایان در هر دوره‌ای از تاریخ که پای گذارده‌اند. آن را از رهبران و گذشتگان خود به ارث برده‌اند این روش، هم اکنون به قانونی اساسی تبدیل شده است تا پدران و فرزندان برای تحکیم، سلطه و تثبیت پایه‌های جعلی و دروغین تمدن مورد ادعای خویش بر مبنای آن در سرزمین مقدس فلسطین فعالیت کنند. این روش، آکنده از پستی، فتنه‌انگیزی و تجاوز به منظور چیرگی بر همه‌ی انسان‌ها بی‌تمایز میان آنان می‌باشد.

آنان تورات را تحریف کردند تا با عملکردهایشان همساز شود، بی آن که در این راه، وجدان یا اخلاق ناظر بر کارهایشان باشد آنها زمین را مملو از فساد کرده‌اند. با بمب و مواد منفجره رعب می‌آفرینند و برای هراساندن غیر یهودیان، به‌ویژه مسلمانان دارندگان حق و زمین - به تیراندازی دلخواهانه به سوی آنها دست فلسطینی - یعنی زده‌اند به این منظور که آنان را وادار به کوچ از سرزمینشان کنند. زیرا از دیدگاه رهبران صهیونیسم آنان با سرزمین اسرائیل بیگانه‌اند. پس یا باید عناصر کلیدی و اصلی آنها ترور و نابود شوند؛ یا این که همگی در معرض تصفیه‌های خونین و قتل عام قرار گیرند، تا سرزمینی بکر و آماده برای سکونت قوم بنی‌اسرائیل فراهم شود (صفحات ۱۳۸۱: ۱۷)

صهیونیسم جریان سیاسی می‌باشد که منشأ آن را مبانی دین یهود قرار داده‌اند؛ هرچند در واقع این امر ارتباطی با یهودیت ندارد به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت صهیونیسم با یهودیت تفاوت عمده‌ای دارد که تنها از آن آیین برای مشروعیت بخشیدن به جریان خود استفاده کرده‌اند؛ درحالی‌که با یکدیگر کاملاً مغایرت دارد. ما در این پژوهش به خاستگاه این تفاوت و دوگانگی می‌پردازیم و در ضمن آن به نحوه و چگونگی شکل‌گیری این جریان سیاسی می‌پردازیم اگر چه ناگزیر از نشان دادن سیر تاریخی و پیشینه تباری آن می‌باشیم اما در صدد بیان تاریخ آن نیستیم. بر همین اساس سؤال اصلی این پژوهش این است که شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم در تفسیر الکاشف شیخ محمدجواد مغنیه و دلالت‌های تربیتی آن چگونه تبیین شده است

مبانی نظری

زندگینامه مؤلف تفسیر الکاشف

شیخ مغنیه فرزند شیخ محمود از عالمان و مفسران شیعه در قرن چهاردهم قمری است که در لبنان متولد شد (مغنیه، ۱۳۸۵: ۵۳۴) اولین اثر تفسیری ایشان تحت عنوان «الکاشف فی تفسیر القرآن الکریم» است که در هفت مجلد در بیروت به چاپ رسیده و مفسر در این تفسیر، از مجموع روش‌های تفسیری بهره‌جسته است. (کاظمی، ۱۳۷۷: ۳۹) او در سال ۱۴۰۰ق درگذشت (مغنیه، ۱۳۸۵: ۵۳۴).

روش مؤلف در تفسیر الکاشف در ابتدا، واژه‌های مشکل را معنا می‌کند، سپس اعراب و نکات ادبی را توضیح می‌دهد، آنگاه به آیه و معنا و پیام آن می‌پردازد. همچنین مؤلف، اهتمام فراوان به کمک گرفتن از آیات دیگر و تفسیر قرآن به قرآن و احادیث مورد اطمینان دارد. بحث‌های موضوعی (تاریخی، اعتقادی، اخلاقی) درباره آیه هم مطرح شده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۷۳۹) مؤلف که در صدد افشاگری و روشنگری در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی و آیات مربوط به بنی اسرائیل می‌باشد کتابی با عنوان اسرائیلیات القرآن را گردآوری کرده است. (بهرامی، ۱۳۸۰: ۷۵)

تفکرات، عقاید و اعتقادات یهود صهیونیسم

صهیونیسم جنبشی نژادپرست، سیاسی و افراطی است که هدف آن تشکیل دولت یهود در فلسطین است تا از آن طریق بر جهان حکومت کند. کلمه صهیونیسم برگرفته از اسم "جبل صهیون" در قدس شرقی است؛ جایی که حضرت داود پس از مهاجرت از حبرون (الخلیل) به بیت المقدس در قرن یازده قبل از میلاد قصر خود را در آن مکان بنا نهاد. این اسم به بازسازی مجدد معبد حضرت سلیمان و مملکت حضرت داود به پایتختی قدس دلالت دارد. صهیونیسم جهانی دارای ریشه‌های تاریخی، فکری و سیاسی است که به مقاطعی از این جنبش اشاره می‌شود کلمه صهیون برای اولین بار در عهد قدیم در هنگام فرمانروایی حضرت داود از سال ۱۰۰۰ تا ۹۶۰ قبل از میلاد به کار رفت. جنبش "فکری استعماری یهودیان" که در آغاز قرن نوزدهم خواستار تشکیل دولتی یهودی در فلسطین شد. نام صهیونیسم مشتق از کوه صهیون در فلسطین است و آموزه‌ها و تعالیم تورات و تلمود را که خواهان تحقیر جامعه بشری و تقویت حس انتقام‌جویی از غیر یهود است، تحریف کرده است و مبادی و اصول ویرانگر یهود را در کتابی تحت عنوان پروتکل‌های حکمای صهیون که خطرناک‌ترین قوانین و مقررات را در طول تاریخ در خود جای داده است، مدون کردند. (صدرالدین الشیرازی، ۱۴۱۵، ج ۲۲۰: ۴)

شاخصه‌های فکری یهود صهیونیست در تفسیر الکاشف

قوم یهود در طول حیات خویش به دلیل گرایش‌ها، عقاید، سیاست‌ها و خصلت‌های منحصر به فردی چون: بینش محدود و جهل، کتمان حقایق، تعصب و جمود فکری، توطئه‌گری، خشونت

طلبی، عهد شکنی و...، همواره مورد انزجار دیگر ملت‌ها بوده است که آیات قرآن خود شاهدی بر این مدعا می‌باشد. از سوی دیگر یهود صهیونیسم در تحقق خواست خویش، که همان چیرگی و سرمداری بر دارایی‌ها و عقاید مردم می‌باشد، تلاش بسزایی می‌کند و در این راستا از هر امکانی بهره گرفته و صرفاً نگاه ابزاری به مذهب دارد و سران این جریان از توسعه عقاید مذهبی میان یهودیان در هراس هستند. محقق در این رساله با تحلیل و توصیف منابع کتابخانه‌ای و با مراجعه به نظرات شیخ مغنیه در تفسیر الکاشف توانسته است شاخصه‌های یهود صهیونیسم را استخراج نماید. این شاخصه‌ها عبارت است از سرپوش نهادن بر ویژگی‌های خویش با ایجاد جنجال، هیاهو و مظلوم‌نمایی نسبت به رفتار خشونت‌آمیزی که نسبت به آنها صورت گرفته، تصویری اغراق‌آمیز، حق‌بجانب و مظلومانه ارائه می‌دهد تا بتواند دولت مستقل یهود صهیونیسم را در سرزمین فلسطین تقویت کند و زمینه‌های پذیرش آن را در افکار عمومی غرب نهادینه سازد. از بین تفکرات یهود یک سری افکار و شاخصه‌های منفور و ضاله در بین یهود نمود بیشتری دارند. در رابطه با شاخص‌های فکری یهود صهیونیست از مؤلفه‌هایی مانند جمود فکری، عدم اعتقاد به آموزه‌های دین خویش، حق‌ناپذیری، برتری‌جویی، بینش محدود و جهل و... می‌توان نام برد که در ادامه به تفسیر هر کدام پرداخته خواهد شد.

الف - جمود فکری

۱-۱ فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ وَ كَفَرْتُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (النساء/۱۵۵)

فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ؛ یعنی یهود را به سبب شکستن پیمانی که بدان متعهد شده و آن را بر خود لازم کرده بودند، لعنت کردیم. آن پیمان این بود که به آنچه موسی آورده است ایمان آورند و عمل کنند؛ اما پس از این پیمان، آن را تغییر دادند و دگرگون ساختند و حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کردند. وَ كَفَرْتُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ. این آیات عبارت بودند از: حجت‌ها و دلایل نبوت عیسی و محمد. وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ. آنان پیامبرانی نظیر زکریا و یحیی را کشتند، علی‌رغم این که دلیل بر نبوت آن دو، برایشان اقامه شده بود. وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ؛ یعنی قلب‌هایشان آن‌چنان پوشیده است که چیزی از دعوت (محمد) به آنها نمی‌رسد. یهودی‌ها این سخنان را به پیامبر اعظم می‌گفتند تا او از ایمان آوردن آنها به نبوت و پاسخ به دعوت خود ناامید شود. بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا

بَكْفُرِهِمْ. این، یک جمله معترضه در میان جملاتی است که به یکدیگر عطف شده‌اند و برای ردّ سخن آنها: «قُلُوبُنَا غُلْفٌ» آمده است.

معنای این جمله آن است که قلب‌های شما به‌طور طبیعی بسته نیست بلکه کفر شما به محمد و ادامه دادنتان به گمراهی، آنها را بسان سنگ و حتی سخت‌تر از آن قرار داده است. پس از آن که قلب‌های یهودی‌ها به مرحله‌ای رسید که در آن، به‌هیچ‌روی برای پذیرش حق باز نمی‌شود، به منزله کسانی شدند که خدا آنان را بدون قلب آفریده است. از این‌رو، اگر مهر زدن بر قلب‌های؛ آنان به خدا نسبت داده شود، درست خواهد بود. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۵۵)

۱-۲ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره/۷۴)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ. ای یهود مدینه، بر پیشینیان شما واجب بود که پس از مشاهده آن همه خوارق عادات و معجزات و از جمله زنده شدن آن مقتول پند گیرند و قلب‌هایشان نرم شود؛ ولی آنان چون ناپاک بودند علی‌رغم دیدن معجزات فساد کردند و قلب‌هایشان آن‌چنان سخت شد تا این که انگار از سنگ ساخته شده‌اند و حتی از سنگ هم محکم‌تر؛ زیرا «... از سنگ، گاه جوی‌ها روان شود و چون شکافته شود آب از آن بیرون جهد».

مؤلف تفسیر کاشف در ادامه می‌فرماید: خداوند سختی صخره‌ها و سنگ‌ها را بر قلب‌های یهودیان برتری داده است؛ زیرا صخره گاهی شکافته می‌شود و سنگ‌ها هم گاهی جابه‌جا می‌شود؛ و از آن آب جاری می‌شود اما قلب‌های یهودیان به نیکی تمایل پیدا نمی‌کند، و به هدایت روی نمی‌آورد.

همچنین خداوند می‌فرماید: «هفت آسمان و زمین و هر چه در آن‌هاست تسبیحش می‌کنند و هیچ موجودی نیست جز آن که او را به پاکی می‌ستاید.» و سنگ این صفت را دارد که در برابر پروردگاری که تمام سبب‌ها به او ختم می‌شود خشوع و فروتنی کند. (مغنیه، ج ۱: ۲۶۲)

این صفت در صهیونیست‌ها با توجه عملکرد آنان در فلسطین اشغالی و اساس بودن اسطوره پاک‌سازی قومی و روحیه نژادپرستی تداوم دارد.

روز ۹ آوریل ۱۹۴۸م، مناخیم بگین از رهبران اسرائیل، ۲۵۴ سکنه منطقه دیر یاسین را قتل‌عام کرد کشتارهای منطقه خان یونس و بنی سهیلا، قصابی زنان، کودکان و مردان سالخورده در شب ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ «منطقه صبرا و شتیلا»، قتل‌عام روستای کفر قاسم و بمباران غیر نظامیان در شهر بیروت از موارد بارز این جنایت کاری است. (فیندی، ۱۳۷۹: ۶۵)

کشتارهای، منطقه قبیله تخریب منطقه صور و صیدا، مواردی است که فقط نام آنها را در اینجا ذکر کرده‌ایم و اگر شرح وقایع این قتل‌عام‌ها مطالعه شود، در وجود این روحیه صهیونیست‌ها تردید نخواهیم کرد (گارودی، ۱۳۷۴: ۱۷).

به عنوان مثال هنگامی که جنگ مسلمانان و اسرائیل در سال ۱۹۶۷م به اتمام رسید، و اسرائیلیان بر بیت المقدس پیروز شدند به روستایی که در نزدیکی شهر قرار داشت حمله کردند مردم بی دفاع و بیگناه نیز از ترس کشته شدن به مسجد پناه بردند؛ ولی برای صهیونیست‌ها مسجد و غیر مسجد تفاوتی نداشت و با هلیکوپتر به آنها تیراندازی کرده و به خاک و خون کشیدند (آجیلی، ۱۳۹۰: ۲۱۵)

از سوی دیگر اشغال فلسطین مواجه بود با اخراج مردم آن سرزمین که بیش از یک میلیون فلسطینی آواره شدند و هزاران نفر از آنان در اثر نداشتن تغذیه مناسب نابود شدند. (آجیلی، ۱۳۹۰: ۲۱۵)

صهیونیست‌ها در روستای دیر یاسین ۲۵ زن حامله را جمع کرده و آنها را در صف واحدی قرار دادند سپس به سوی آنها تیراندازی کردند و شکم‌های آنان را با چاقو و ساطور دریدند و نیمی از جنین‌ها را خارج کردند، و اعضاء و جوارح کودکان را در برابر چشمان پدران آنها قطعه قطعه کردند و مردان بی سلاح را به قتل رساندند و اعضاء آنها را از بدن جدا ساختند (عبد الفتاح طباره، بی تا: ۱۲۳)

در پروتکل اول دانشوران صهیون آمده است که: «حاکمیت بر جهان جز با زور و خشونت میسر نیست. (نویهض، ۱۳۷۳: ۲۴۹)

موریس کونوپنیک صهیونیست نیز می‌گوید: «امروز هنوز بخش اعظم ملت اسرائیل از مذهب دوری می‌جویند و نیز وایزمن» از رهبران صهیونیسم در نامه‌ای به رهبران صهیونیست اروپای غربی انتقاداتی می‌کند که سه برداشت متقن از آن استفاده می‌شود:

الف - صهیونیسم صرفاً نگاه ابزاری به مذهب دارد

ب - سران این جریان از گسترش عقاید مذهبی میان یهودیان هراسانند

ج - اکثریت یهودیان نسبت به دین مبدأ و معاد بی‌اعتقاد هستند (احمدی، ۱۳۷۶: ۳۲۵)

دکتر «اسرائیل شاهاک» یهودی در سال ۱۹۷۳م این گونه بیان می‌کند: «به نظر من چنین می‌رسد که اکثریت ملت خدا را ترک گفته‌اند و بتی را جایگزین آن ساخته‌اند درست همان‌طور که در صحرا از گوساله زرین طلایی طرفداری کردند. گوساله‌ای که طلاهای خود را برای ساختنش دادند. نام این بت جدید در اسرائیل است» (پژوهشگاه مطالعات تقریبی، ۱۳۹۸: ۶۲) (شاهاک، ۱۳۸۰: ۲۱۰)

باید توجه داشت که تورات تحریف‌شده‌ای که صهیونیست‌ها به آن معتقدند، هیچ اثری از معاد

آن: نیست و آن را مسکوت گذاشته است. (طباطبایی، بی تا، ج ۵: ۳۹۸)

راه‌های مقابله و تربیت با جمود فکری را باید در پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی (ره)، به‌خصوص در پیام معروف «منشور روحانیت» جستجو کرد. اهمیت جریان شناسی جمود فکری از نگاه امام تا آنجاست که ایشان به‌صراحت فرموده‌اند متحجران با نقاب عوام‌فریبانه به میدان می‌آیند و درنهایت اگر بتوانند موفق شوند چیزی برای انقلاب باقی نمی‌گذارند. در ادبیات و گفت‌وگوهای امام خمینی (ره)، بد اخلاقی‌های سیاسی، مقدس‌نمایی و مخالفت با استفاده از علم در مدیریت جامعه به بهانه مخالفت با اسلام، نگاه قیم‌مابانه داشتن به رأی مردم، مخالفت با استفاده از مظاهر تمدن در مسیر پیشرفت جامعه، مقدس جلوه دادن تمام مظاهر کهن و تعیین تکلیف کردن برای مردم و... مهم‌ترین شاخصه‌های جمود فکری بوده و راه‌های مقابله از دیدگاه امام را این گونه می‌توان شناخت حقیقت اسلام، افشای چهره واقعی جمود فکری و تحجر، داشتن الگو و سرمشق مناسب در زندگی، توجه به تعقل و دوری از خرافات را برشمرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۰۹) همان‌گونه که جمود فکری از دیدگاه امام مانع بیداری است، دلبستگی به شرق و صهیونیسم جهانی و خودباختگی در برابر آنان ملت‌ها را از نزدیک شدن به اسلام باز می‌دارد. لذا ایشان

می‌فرمایند(امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و صهیونیسم جهانی نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست(همان، ج ۱۳ ص ۱۷)

ب- کتمان حقایق

۱-۱ یا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ* وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ* وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۴۲-۴۰)

خداوند قوم یهود را در چند آیه از قرآن حکیم یاد کرده است. این آیات نعمت‌های خدا بر قوم یهود و انکار این نعمت‌ها توسط آنان هم چون: به ناحق کشته شدن پیامبران به دست آنها، دشمنی ایشان با موسی و هارون، پرستش گوساله به وسیله آنان و به بردگی گرفتن آنها از سوی فراعنه را بیان کرده است، آن‌گاه آزادی آنها از بردگی و ستم، رهایی‌شان از غرق شدن، فرو فرستادن «من» و «سلوی» و توطئه‌هایی که مقابل پیامبر داشتند و خصومت آنها با مسلمانان و طرفداران حقیقت متذکر شده است. که بیانگر خصوصیات و رفتار آنان می‌باشد.(مغنیه، ۱۳۸۵: ۲۰۰-۱۹۹)

۲-۱ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُ الَّذِي أَخَذُوهُ. مراد از «عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى» (اعراف/۱۶۹) مال حرام است؛ نظیر ربا و رشوه. خداوند پس یادآور شد: در دوران موسی گروهی از بنی اسرائیل نیکوکار و گروهی بدکار بودند، اکنون می‌گوید: این دو گروه، نسلی را بر جای گذاشتند که حلال و حرام تورات را می‌شناختند؛ لکن آنان حلال خدا را حرام و حرام او را حلال می‌کردند و می‌گفتند: خدا ما را می‌بخشد و به سبب هیچ چیزی مجازاتمان نمی‌کند؛ زیرا ما فرزندان، دوستان و ملت برگزیده او هستیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۳۸۸) و بعد از آنان، جانشینانی (ناشایست) جانشین شدند، که کتاب (تورات) را به ارث بردند؛ در حالی که کالای ناپایدار این (دنیا) پست را گرفته، و می‌گویند: «به‌زودی آمرزیده خواهیم شد.» و [لی] اگر کالای ناپایداری همانند آن به آنان برسد، آن را (نیز) می‌گیرند؛ آیا از آنان پیمان محکم کتاب [الهی] گرفته نشده، که نسبت به خدا جز به حق سخن

نگویند، و درس آنچه را که در آن [کتاب] است، خوانده‌اند؟! و سرای آخرت برای کسانی که خود نگهداری (و پارسایی) می‌کنند بهتر است، پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (طبرسی، بی تا، ج ۴: ۷۶۲) (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۰-۱۳۷۱، ج ۸: ۴۵۴)

مؤلف به این استدلال کرده است که یهودیان کتمان حق بلکه بگویم جای حق و باطل را عوض می‌کردند. و در ادامه آیه مفسر تفسیر الکاشف استدلال کرده به پیمان شکنی یهود

أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ دَرَسُوا مَا فِيهِ. این جمله ردّ و پاسخ دومی است به آنان؛ بدین ترتیب که، آنان تصور می‌کنند به خدا و تورات ایمان آورده‌اند و نیز این کتاب را خوانده و تمام محتوای آن را فهمیده‌اند. از جمله چیزهایی که در تورات آمده، آن است که خداوند هر کس را که توبه کند و از گناه دست بردارد می‌بخشد؛ اما اگر کسی بر آن اصرار ورزد، از زمره هلاک شوندگان خواهد بود. و نیز تورات از هر کس که به خدا ایمان آورده، پیمان گرفته است که بر خدا دروغ نبندد. لکن گناهکاران با وجود این که این حقیقت را می‌دانند بر گناهان بزرگ پای می‌فشارند و می‌گویند: خدا ما را خواهد بخشید. در حالی که این کار، پیمان شکنی و دروغ بستن بر خداست و کسی که دروغ ببندد از رحمت خدا محروم خواهد شد. وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ. و نیز آخرت از آن کسانی است که بدون دلیل به متاع دنیا قلب نمی‌بندند و به دروغ نمی‌گویند: خدا ما را می‌بخشد. "أَفَلَا تَعْقِلُونَ" چگونه بیاندیشد کسی که شهوت‌ها، عقل او را کور و هوس‌ها، قلبش را بیمار کرده است؟ (مغنیه، ج ۳: ۶۴۳)

در عصر حاضر نیز صهیونیست‌ها مانند یهود زمان پیامبر با دست کاری اخبار و حوادث قضاوت مردم را تحت تأثیر قرار دادند. آنها به علت تضاد با جامعه فلسطینی و عربی افکار عمومی را بر ضد اعراب تحریک کرده و تصویر ذهنی از عرب‌ها را تخریب ساخته و واقعیت با دقت از سوی رهبران اسرائیل جعل گردید. عرب‌ها در حافظه غربی‌ها افراد ستیزه‌گر، متصلب و تروریست هستند. (رویوران، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۶)

رهبران صهیونیسم علاوه بر همراهی قدرت‌ها، به همراهی افکار عمومی و تصویر ظاهری حق به جانب هم نیاز داشتند. در این میان عده‌ای لازم بودند که مسئولیت ظلم کردن بر یهودیان را بر عهده گیرند تا چهره یهودیان مظلوم جلوه‌گر شود. در این مرحله صهیونیسم نیاز به اتحاد با

یهودستیزان داشت. (سلطان شاهی، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۶۱؛) (شاهاک، ۱۳۷۶: ۱۷۹-۱۸۰؛) (روحانی، بی تا: ۲۰۲)

در واقع «تاریخ‌نگاری یهود بر مظلوم‌نمایی استوار است و این مظلوم‌نمایی به دلیل پشتوانه نیرومند تبلیغاتی آن بر افکار عمومی جهان به شدت مؤثر بوده است... این مظلوم‌نمایی از آغاز با تعریف‌ها و اغراق‌های بزرگ و حیرت‌انگیز آمیخته است تا بدان جا که می‌توان گفت، تاریخ هیچ قومی چنین با دروغ‌های بزرگ و آگاهانه رقم نخورده است. (سلطان شاهی، بی تا: ۱۲۰)

براین اساس صهیونیسم جهانی، در راستای اهداف پلید و شیطانی خود، برای سلطه بر جهان، از تروریسم روانی، همراه و هماهنگ با تروریسم اندیشه استفاده می‌کند. در حقیقت، تروریسم روانی، به مثابه‌ی یک لبه‌ی قیچی، و تروریسم اندیشه بعدی دیگر آن است. هنگامی که این دو لبه بر روی هم قرار می‌گیرند، روحیه و دیگر اندیشه‌ها را خرد و نابود کرده، از بین می‌برند. (صفاتاج، ۱۳۸۱: ۷۰) اگر به برخی از مفاد این پروتکل‌ها توجه نماییم، به نکات جالبی در مورد چگونگی کاربرد کلمه آزادی در زمان سلطه صهیونیسم جهانی و قبل از آن، پی خواهیم برد. درجایی توصیه به ترویج تئوری آزادیخواهی می‌شود و در جای دیگر گفته می‌شود که با قدرت با هرگونه آزادی مخالفت خواهیم کرد. آنجا که سخن از آزادیخواهی یا آزادی مطبوعات است، مربوط به برنامه‌هایی است که از آن رهگذر دولت‌ها و ملت‌ها را فشل و دچار از هم پاشیدگی می‌کند. اجرای این برنامه‌ها برای نابودی کشورها و دولت‌ها و زمینه‌سازی برای استقرار حکومت جهانی صهیونیسم است و درجایی که سخن از مبارزه با آزادی است مربوط به زمانی است که برای استقرار حکومت جهانی صهیونیسم، هرگونه صدای مخالفی را خفه می‌سازند. (ایروانی، ۱۳۸۳: ۱۷)

از دیدگاه شهید مطهری نباید منکر این اصل کلی بود که حیثاً اگر گفتن حقیقتی سبب انحراف مردم از آن حقیقت بشود نباید گفت، زیرا گفتن برای ارشاد مردم به حقیقت است نه برای اینکه وسیله‌ی دور شدن از حقیقت بشود. البته کتمان حقایق حرام است. قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْأَهْدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (بقره/۱۵۹).

روی همین حساب در این مسأله عملاً دو جریان مخالف به وجود آمده است. یکی اینکه صاحبان فتوا در عصر اخیر با مشاهده‌ی اوضاع و احوال موجود سخت در عمق وجدان خود می‌ترسند که فتوا به عدم وجوب ستر وجه و کفین و عدم حرمت نظر بر وجه و کفین بدهند، لهذا طریق سلامت می‌پویند و با یک «الْأَحْوَط» خود را نجات می‌دهند.

جریان دوم این است که بعضی دیگر را عقیده این شده که هر چند از نظر حقیقت و واقع، مطلب همین است ولی با ملاحظات عصر و زمان که مردم دنبال بهانه می‌گردند که قیود عفاف را به هر شکل و به هر صورت دور بریزند باید قسمتی از واقعیات را کتمان کرد که موجب بهانه نشود.

اینجاست که فلسفه‌ی «کتمان» و محافظه‌کاری پا به میان می‌نهد. فلسفه‌ی کتمان اختصاص به این مسأله ندارد، عده‌ای نظیر این عقیده را در باب استماع اخبار رادیو و خرید و فروش آن نیز داشتند (مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۹۱: ۵۶۱)

اما با این حال آنچه در این حوادث اهمیت دارد این است که تظاهر کنندگان غربی با در دست داشتن تصاویر آخرین قربانیان جنایات‌های ارتش اسرائیل به خیابان می‌آمدند و این رفتار نشان می‌داد که رسانه‌های کلاسیک غربی دیگر نمی‌توانند مانند گذشته واقعیت حوادث در خاورمیانه را به نفع اسرائیل تغییر دهند و روایت مغایر با واقع ارائه دهند. (رویوران بی تا: ۳۲) مثلاً در واقعه هولوکاست در واقع یهودیان اولین قربانیان صهیونیست‌ها بودند و صهیونیست‌ها برای کوچ دادن آنها به فلسطین، حتی کنیسه‌ها را منفجر می‌کردند. نازی‌های آلمان به درخواست سازمان جهانی صهیونیسم و آژانس یهود، یهودیان را فراری می‌دادند و زمانی که یهودیان از آلمان و مناطق تحت نفوذ نازی‌ها فرار می‌کردند و حاضر نبودند به فلسطین بروند و از آژانس یهود کمک می‌خواستند، آژانس با انتقال آنها به خارج از فلسطین مخالفت می‌کرد. (رافعی، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۸)

ج- جهل و بینش محدود

۱-۱ وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَكَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره/۲۴۷)

هنگامی که پیامبر به آنان خبر داد که خداوند طالوت را بر آنها فرستاده است، گفتند: او چگونه می‌تواند فرمانده ما باشد، او ثروتمند نیست و فاقد نسب والا است. پیامبر گفت: فرماندهی ارتش نیاز به ثروت و نسب ندارد و فقط نیاز به شجاعت و دانایی دارد و طالوت هم، کفایت علمی و اخلاقی، دارد و هم توان جسمی. آنان به واسطه جهل و بینش محدودی که داشتند گفتند: ما معجزه‌ای می‌خواهیم که این ادعای شما را اثبات کند. پیامبر گفت: نشانه این امر آن است که «تابوت» به سوی شما باز می‌گردد و به فرمان خداوند، فرشتگان آن را می‌آورند. و وقتی تابوت با معجزه الهی به سوی بنی‌اسرائیل آمد، وعده پیامبرشان، محقق شد و آنان سلطنت و فرماندهی طالوت قبول کردند. و طالوت در جنگ با دشمن بنی‌اسرائیل، فرماندهی آنان را پذیرفت و به آنها اطلاع داد که به زودی از نهری عبور خواهند کرد به وسیله این نهر میزان اخلاص آنان آزمایش خواهد شد. کسانی که صبر پیشه کنند از آب نهر نمی‌نوشند مگر به اندازه‌ای که با دست برمی‌دارند. چه جهل و نادانی از این بالاتر که مقیاس سنجش فضیلت را گم کرده و آن را در ثروت و تمکن مالی و مقام‌های ظاهری و سن و سال جستجو نمود، این اشتباهی بزرگ بوده و نشانه جهل و بی‌خبری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۷۶) حکومت حق نباید به خاطر جلب رضایت مرفهین، طبقه محروم را از دست بدهد. تحقیر مؤمنان به خاطر فقرشان، نشانه جهل است. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۰۹)

زمانی که بنی‌اسرائیل از نهر عبور کردند، از امر طالوت سرباز زدند، جز اندکی از آنان که همچنان در ایمانشان ثابت و استوار بودند. و بقیه از آن آب نوشیدند هنگامی که بنی‌اسرائیل به رهبری طالوت و لشکریان جالوت رودرروی یکدیگر قرار گرفتند، و بسیاری از بنی‌اسرائیل دچار وحشت شدند و به طالوت گفتند: ما توان مبارزه با جالوت را نداریم. تعداد کمی که با ایمان بودند و از آب نهر ننوشیده بودند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به اذن خداوند بر گروه بسیار پیروز شدند. این گروه از خدا خواستند که به آنها صبر و پایداری و پیروزی بر دشمن عطا کند و خدا نیز پس از آنکه درستی نیت آنها را دید، دعایشان را مستجاب کرد. جالوت به دست داوود کشته شد و دشمن شکست سختی خورد. و داوود با کشتن جالوت شهرتی رسید که بعدها وارث سلطنت بنی‌اسرائیل شد و خداوند مقام نبوت را به داوود داد و زیور را بر وی نازل کرد و هنر ساختن زره و

علوم دین و فصل خطاب را و به او آموخت، چنانکه خداوند فرموده است: **وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ (مغنیه، بی تا، ج ۱: ۶۵۷-۶۵۶)**

۱-۲ **يَسْئَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ.** (نسا ۱۵۳/۱) مراد از اهل کتاب در اینجا یهود مدینه است که بسان دشمن سرسخت در برابر محمد موضع گرفته بودند و همواره علیه او توطئه می کردند و نیز آنان نخستین طایفه از اهل کتاب بودند که پیامبر دچارشان شده بود. از جمله لجاجت ها و بی شرمی های یهود که خدا در این آیه بدان اشاره کرده است آن بود که از پیامبر درخواست کردند تا کتابی از آسمان برای آنها نازل شود که به چشم خود آن را ببینند. بدیهی است که آنان از پیامبر حجت نمی خواستند، بلکه از باب لجاجت این کار را می کردند؛ زیرا معجزاتی که پیامبر در قبل ارائه داده بود برای قانع ساختن کسی که حق را برای حق می خواست بسنده بود. خداوند، خود را از سوی پیامبرش به آنها پاسخ می دهد و می گوید: **فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ؛** یعنی هیچ گونه تعجب و شگفتی ندارد ای محمد! اگر از تو درخواست کنند که کتابی از آسمان برای آنها نازل کنی؛ زیرا آنها از موسی درخواست بزرگتر و مهم تر از این را کرده بودند. آنها از موسی خواسته بودند که خود خدا را به آنان نشان دهد: **فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ.**

روشن است کسانی که خواستار دیدن خدا آشکارا شدند و گوساله را به خدایی برگزیدند، یهودی های اولیه بودند، نه یهودی های مدینه؛ لکن این ها به آنچه پدران و اجدادشان کردند، خشنود بودند. از این رو، می توان این عمل را به یهودی های مدینه نیز نسبت داد. **وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا.** مراد از سلطان، حجت ظاهری و برهان قطعی است. اما برای یهود هیچ چیز ارزش ندارد و آنها به هیچ چیز اهمیت نمی دهند، مگر به یکی از دو چیز: یا منفعت و یا زور. از این رو، خدا آنها را با کوهی که در آیه بدان اشاره شده است، می ترساند. (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۵۱-۷۵۰)

قوم یهود در پذیرش توحید و وجود خداوند لجوج ترین امت ها می باشد. در این امر آنان بی ادب بودند و دشمنی خود را برابر حق شروع کردند و اینکه پیامبر ما را مسخره و اذیت می کردند و به گونه ای سخن گفتند که از سرتاپایشان سخنان توهین آمیز به مقام والای ربوبیت استشمام می شد. به هر حال اگر در قصه های بنی اسرائیل (یهود) که در قرآن آمده دقت کنی و در آنها باریک شوی خواهی دید که مردمی جاهل با بینشی محدود و اندیشه ای سطحی می باشند و

همین امر باعث شد که جزء چیزی از ماوراء حس را ایمان نیاوردند و آنچه را حس و ماده جایز می‌دانند را تجویز کنند. نتیجه‌ای این‌همه پستی آن شد که در گفتار و رفتارشان دچار تناقض شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۷: ۹) (خواججه‌زاده، حسینیان، ۱۳۹۴: ۳۹)

در عصر حاضر نیز صفت بینش محدود و جهل در کنار اندیشه‌های سطحی از صفات روشن و آشکاری است که به طور مدام در تاریخ یهود و صهیونیست مشاهده می‌شود که از جمله آن می‌توان به اسطوره‌های جعلی و تفسیرهای خطا از کتب مقدس یا تحریف تاریخ و... نام برد که این صفت را در میان جوامع صهیونیست به یکی از شاخصه‌های بارز آنها تبدیل کرده است.. (نویهض، بی تا: ۲۷۱)

گارودی نیز به نقل از منابع تلمودی به این دیدگاه صهیونیست‌ها اشاره می‌کند که مردم جهان به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه برتر و مستحق حاکمیت و اعمال قدرت بر دیگران و گروه حقیر و تحت سلطه به خاطر نداشتن امتیاز برگزیدگی. یهودیان متعلق به گروه نخست‌اند و همه غیر یهودیان به گروه دوم تعلق دارند. (گارودی، ۱۳۷۷: ۴۸)

موسی هس (Moses Hess) از صهیونیست‌های تندرویی است که هر فرد یهودی را تا مقام مسیح بالا می‌برد: مقام هر یهودی به خاطر قومیت و نژادش تا حدی است که هر یهودی خود یک مسیح به حساب می‌آید در جهانی که حیات و مرگ به موازات هم در جریان است تنها یهودیان‌اند که می‌توانند به حیات خود تداوم بخشند و خود را حفظ نمایند. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۹۴)

در اغلب کتاب‌های فقهی، به مساله ارشاد جاهل پرداخته نشده است و فقها به صورت استطرادی در مباحث فقهی به آن پرداخته‌اند و شیخ انصاری مساله ارشاد جاهل و بینش محدود را در ضمن بحث بیع دهن منتجس مطرح کرده است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۷۸) آیه نفر: وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (توبه/۱۲۲) یکی از صریح‌ترین آیات در وجوب تعلیم افراد جاهل است. نفر با توجه به کاربردهای آن در قرآن به معنای «کنده شدن از چیزی به چیز دیگر و یا از جایی به جای دیگر است» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۸۱۷). از ظاهر این آیه مشخص است که منظور نفر برای تفقه است و هدف از این تفقه نیز باید ارشاد قوم و تعلیم به جهال باشد فلذا آیه فوق بر وجوب تعلیم به کسانی که جهل دارند دلالت می‌کند.

پیشینه پژوهش

در واقع بخش عظیمی از معارف قرآن در حیطه ویژگیهای فکری یهود است، آنچه در رفتار شناسی یهود حاضر (صهیونیسم معاصر) بر مبنای اصول حاکم بر تفکر ایشان نمود یافته است چه در تعاملات بین المللی ایشان با سایر ملت‌ها و چه رویکرد آخرالزمانی ایشان در حوزه اندیشه و چه با رویکردهای اشغالگرانه یهود صهیونیست در تعاملات منطقه ای بازخوانی میگردد. در واقع نمود عینی بنیاد های فکری است که رفتار شناسی را تبیین میکند.

کتابهای تفسیری بسیاری از جمله: مجمع البیان، تفسیر نمونه، المیزان، پرتوی از قرآن، تفسیر جامع، تفسیر نور و ... در شرح آیاتی که در مورد یهود بوده است به تفصیل سخن به میان آورده اند.

کتابهایی در مورد این موضوع نوشته شده است، از جمله: «تاریخ زندگانی پیامبر خاتم» نوشته سبحانی، «یهود از نظر قرآن» و کتاب «چهره یهود در قرآن» نوشته طباره، «جنگهای پیامبر، نامه ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمد و اسناد در صدر اسلام» نوشته حمیدالله، «تاریخ دوران پیامبر» نوشته سلطانی، «نخستین حکومت اسلامی» نوشته صفاری زاده، و ...

در عصر حاضر کتاب ها و نسخ چاپی بسیاری در زمینه اخلاق، عقاید، رفتار و افکار و منش صهیونیسم و صهیونیزم به نگارش در آمده است. که از آن جمله میتوان به یهود ستیزی؛ واقعیت یا دستاویز سیاسی و کتاب از جولانگاه استر تا وادی صهیون و همچنین کتاب پان ترکیسم و صهیونیسم نوشته سلطان‌شاهی که در این نسخ به شناخت دقیق قضیه فلسطین تا پیش از پیدایی صهیونیسم و اشغال فلسطین، یهود و مسائل مربوط به آن، تاریخ را متاثر نموده تا هم اکنون که صهیونیسم چهره جدیدی از خود نشان میدهد را معرفی کرده است. و کتاب فلسطین از نحر تا بحر تالیف پژوهشگاه مطالعات تقریبی که به جمع آوری مجموعه مقالات اجتماعی سیاسی قدس و فلسطین پرداخته است. و همچنین کتبی که به مسئله هولوکاست اشاره دارند که میتوان از آن جمله کتاب هولوکاست و نفوذ یهودیان در آمریکا نوشته دیوید و کتاب اولین هولوکاست در تاریخ نوشته ابوخلیل شوقی و کتاب هولوکاست افسانه ای خاص صهیونیسم است نوشته سیندی و کتاب

جایگاه هولوکاست در پروژه صهیونیسم نوشته تراهی و کتاب یهود، صهیونیسم و هولوکاست نوشته جعفری اشاره داشت.

اما وجه تمایز این مقاله با کارهای انجام شده و به چاپ رسیده این است که دیدگاه یک مفسر شیعی قرآن را در رابطه با شاخصه‌های فکری صهیونیسم با تفسیر آیات قرآن و رویکرد مبارزه طلبانه او به رشته تحریر در آمده و همین امر بکر بودن این رساله را نشان می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر بررسی شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم (جمود فکری، کتمان حقایق، جهل و بینش محدود) در تفسیر الکاشف شیخ محمدجواد مغنیه می‌باشد از این رو این مطالعه از لحاظ روش از سری مطالعات توصیفی-تحلیلی می‌باشد که پژوهشگر بر اساس عنوان پژوهش، مفاهیم آن استخراج نموده و سپس به تحلیل هر کدام از آن داده‌ها پرداخته است. ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

سؤالات پژوهش

- ۱- سؤالات پژوهش سؤالات پژوهش سؤالات پژوهش؟
- ۲- سؤالات پژوهش سؤالات پژوهش سؤالات پژوهش؟

یافته‌های پژوهش

یهود صهیونیسم (کد تحلیل)	قوم یهود	آیات	شاخصه‌های فکری (کد مظنون)
یهود صهیونیسم به سبب جمود فکری صرفاً نگاه ابزاری به مذهب دارد و سران این جریان از توسعه عقاید مذهبی میان یهودیان در هراس هستند و اکثریت آنان نسبت به مبدأ و معاد بی‌اعتقاد می‌باشند. از این رو تورات تحریف‌شده‌ای که	پس به [سزای] پیمان‌شکنیشان و به آیات خدا کافر شدند و انکارشان نسبت به آیات خدا و کشتار ناحق آنان [از] انبیاء و گفتارشان که دل‌های ما در غلاف است موجب این شد که [لعنتشان کردیم] بلکه خدا	فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَ كَفَرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ قَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بَكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (النساء / ۱۵۵)	جمود فکری

یهود صهیونیسم (کد تحلیل)	قوم یهود	آیات	شاخصه‌های فکری (کد مضمون)
<p>صهیونیسم‌ها به آن اعتقاد دارند هیچ اثری از معاد در آن نیست. این صفت در صهیونیست‌ها با توجه عملکرد آنان در فلسطین اشغالی و اساس بودن اسطوره پاک‌سازی قومی و روحیه نژادپرستی تداوم دارد. روز ۹ آوریل ۱۹۴۸م، مناخیم بگین از رهبران اسرائیل، ۲۵۴ سکنه منطقه دیر یاسین را قتل‌عام کرد کشتارهای منطقه خان یونس و بنی سهیلا، قصابی زنان، کودکان و مردان سالخورده در شب ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ «منطقه صبرا و شتیلا»، قتل‌عام روستای کفر قاسم و بمباران غیر نظامیان در شهر بیروت از موارد بارز ایسن جنایت‌کاری است. (آهوئی، ۱۳۹۳: ۶۵)</p>	<p>به خاطر کفرشان بر دل‌هایشان مهر زده و دل‌های آنان از دریافت پیام محمد (ص) در پرده است. و در نتیجه جز شماری اندک [از ایشان] ایمان نمی‌آورند.</p> <p>اما پس از این ماجرا دل‌های شما سخت گردید همانند سنگ یا سخت‌تر از آن چراکه از برخی سنگ‌ها جویهایی بیرون میزند و پاره‌ای از آنها می‌شکافد و آب از آن خارج می‌شود و برخی از آنها از بیم خدا فرو می‌ریزد ولی دل‌های شما به‌حق گرایش نمی‌یابد و ترس از خدا در آن پدیدار نمی‌شود و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست.</p> <p>قلب‌های بنی اسرائیل از سنگ سخت‌تر است چون سنگ‌ها از خدا خشیت دارند و از خشیت او از کوه پایین می‌غلتنند ولی قلب‌های این‌ها از خدا خشیتی ندارند.</p>	<p>ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَاءٌ يَسْقَى فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْأَنْهَارَ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَاءٌ يَنْهَضُ مِنَ حَشِيَةِ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره / ۷۴)</p>	

یهود صهیونیسم (کد تحلیل)	قوم یهود	آیات	شاخصه‌های فکری (کد مظنون)
<p>کلیات طرح توسعه و استیلای صهیونیست در چارچوب پروتکل‌های دانشوران صهیونیستی قابل بررسی است اولین کنگره‌ی دانشوران صهیونیسم در شهر بال در سال ۱۸۹۷ به ابتکار تئودور هرتسل شکل گرفت البته مفاد این پروتکل‌ها محرمانه بود که با حمله‌ی پلیس روسیه به این اجلاس مفاد این پروتکل‌ها افشا شد. (ایروانی، ۱۳۸۳: ۳)</p> <p>یهود صهیونیسم پیرو نقشه‌های خصمانه‌ای است که باهدف تسخیر جهان بر ملت مظلوم فلسطین روا داشتند و مقلد پروتکل‌های تدوین شده توسط تئودور هرتسل می‌باشند.</p>	<p>ای فرزندان اسرائیل نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتیم بیاد آورید و به پیمانم وفا کنید آنگاه است که من نیز به عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد، و تنها از من بترسید. و به این قرآن که فرو فرستاده‌ام و توراتی را که با شماست تصدیق می‌کند ایمان بیاورید و از میان اهل کتاب نخستین منکران آن نباشید و آیات مرا به بهایی ناچیز (دنیا) نفروشید و تنها از من پروا کنید. و حق را به باطل درنیامیزید و حقیقت را بآنکه خود میدانید کتمان نکنید.</p>	<p>يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَوْفُوا بِعَهْدِي اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَاِتَّيَّ اَفْرَاهِيُونَ * وَاْمِنُوا بِمَا اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا اَوَّلَ كَافِرٍ بِهٖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَاِتَّيَّ فَاتَّقُونَ * وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ* (بقره/ ۴۲ -۴۰)</p>	<p>کتمان حقایق و آمیختن حق و باطل</p>
<p>صهیونیست‌ها با انتشار اخبار کذب و دروغین احساسات و قضاوت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند و افکار عمومی را بر ضد اعراب تحریک می‌کنند تا جایی که عرب‌ها در حافظه غربی‌ها افرادی ستیزه‌گر و تروریست هستند. در واقع تاریخ‌نگاری یهود</p>	<p>آنگاه بعد از آنان شایستگان، جانشینانی کتاب [آسمانی] تورات را به ارث بردند و احکام و معارف آن را دریافت کردند، که کالای ناپایدار این دنیای پست را بی هیچ توجهی به حرام یا حلال بودن آن می‌گیرند و</p>	<p>فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْاٰذَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَاِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلَ الَّذِي هُوَ مَرَادُ الَّذِي «اعراف/ ۱۶۹»</p>	

یهود صهیونیسم (کد تحلیل)	قوم یهود	آیات	شاخصه‌های فکری (کد مضمون)
<p>صهیونیسم در مظلوم‌نمایی استوار می‌باشد و این مظلوم‌نمایی پشتوانه نیرومند تبلیغاتی آن بر افکار عمومی جهان به‌شدت مؤثر است. و این مظلوم‌نمایی‌ها آن‌چنان اغراق‌آمیز است که می‌توان گفت تاریخ هیچ قومی این‌چنین با دروغ‌های بزرگ و آگاهانه رغم نخورده است مثلاً: در واقعه هولوکاست یهودیان اولین قربانیان صهیونیست‌ها بودند. و صهیونیست‌ها برای کوچ دادن آنها به فلسطین حتی کنیسه‌ها را منفجر می‌کردند.</p>	<p>می‌گویند بخشیده خواهیم شد و از روی توبه سخن نمی‌گفتند، و اگر کالایی مانند آن به ایشان برسد [باز] آن را می‌گرفتند. آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به‌حق نسبت به خدا سخن نگویند باینکه آنچه را که در آن [کتاب] است آموخته‌اند به آن پیمان وفا نکردند با این هدف که به دنیای خود برسند، ولی سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است آیا باز تعقل نمی‌کنید.</p>		
<p>صفت جهل و بینش محدود از جمله صفات روشن و آشکاری است که در تاریخ یهود صهیونیسم دیده می‌شود به‌طور مثال می‌توان به اسطوره‌های جعلی و تفسیرهای خطا از کتب مقدس و یا تحریف تاریخ</p>	<p>و پیامبرشان به آنان گفت: در حقیقت خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم زیرا حکومت</p>	<p>وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا ائْتِنَا بِكُونُ لَه الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ اَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتِ سَعَةً مِنْ اَلْمَالِ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَا عَلَيْنَا وَ زَادَهُ</p>	

یهود صهیونیسم (کد تحلیل)	قوم یهود	آیات	شاخصه‌های فکری (کد مظنون)
<p>اشاره کرد نقشه‌های یهود صهیونیسم که به دو گروه عوام و دانشمندان حيله‌گر تقسیم می‌شوند بر آن است که حقایق را به سوی خود تحریف کرده و هدفشان آن است که با این کار بهای کمی را به دست آورند که با وسائلی که نا مقدس است و نتیجه‌ی نادرستی هم می‌دهد بیشتر باعث عقب‌افتادگی و درست کردن تنگناها و باتلاق‌های فکری و روحی خود را به عذاب می‌اندازند و عوام یهود را نیز در شک و تردید و خفقان فرومی‌برند.</p> <p>ترویج یهود ستیزی باهدف ترغیب به مهاجرت ولو با ضربه زدن به یهودیان از سوی صهیونیست‌ها، ابعاد بسیار گسترده‌تر و عجیب‌تری دارد که اگر یهودیان بی‌خبر و ساده از آن مطلع باشند یقیناً در پروژه صهیونیسم خلل وارد خواهد شد؛ کما اینکه کاهش</p>	<p>بر بنی‌اسرائیل در اختیار نیاکان ما بوده است. علاوه بر این به او از حیث مال گشایشی داده نشده است. پیامبرشان گفت: در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش اداره امور و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است، و خداوند پادشاهی خود را به هرکس که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست و می‌داند چه کسی درخور بخشش است.</p> <p>و چون گفتید ای موسی، هرگز سخن تو مبنی بر اینکه خدا تورات را بر تو فر فرستاده است باور نمی‌کنیم تا خدا را آشکارا به چشم خود ببینیم و تأیید تورات را از او بشنویم. پس هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد پس در حالی که نگاه میکردید صاعقه شما را فروگرفت.</p>	<p>بَسْطُهُ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره/ ۲۴۷)</p> <p>وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً (بقره/ ۵۵)</p>	<p>جهل و بینش محدود و طبقاتی</p>

یهود صهیونیسم (کد تحلیل)	قوم یهود	آیات	شاخصه‌های فکری (کد مضمون)
<p>مهاجرت به فلسطین و افزایش مهاجرت معکوس از فلسطین، در شرایط فعلی حاکی از این واقعیت است. (سلطان شاهی، ۱۳۹۹)</p>	<p>آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید باینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید.</p> <p>اهل کتاب (یهودیان) با وجود قرآن از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان [یکجا] بر آنان فرود آوری البته از موسی بزرگتر از اینرا خواستند و گفتند خدا را آشکارا به ما نشان بده پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فرو گرفت سپس بعد از آنکه دلایل آشکار از بت پرستی برایشان آمد گوساله (سامری) را [به پرستش] گرفتند و ما از آن‌هم درگذشتیم و به موسی تسلطی آشکار بر گوساله پرستان و سازنده‌اش با برهانی روشن عطا کردیم. یهودیان به سبب جهل و بیش محدود هم در زمان حضرت موسی و هم در زمان پیامبر اسلام پیوسته به دنبال بهانه جویی و آزار و اذیت پیامبران الهی بودند.</p>	<p>أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره/۴۴)</p> <p>يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ. (النساء ۱۵۳)</p>	

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم در تفسیر الکاشف شیخ محمدجواد مغنیه و دلالت‌های تربیتی آن به روش توصیفی تحلیلی تدوین شده است. نتایج به دست آمده از تفسیر الکاشف حاکی از این بود که شاخص‌های فکری یهود صهیونیسم می‌تواند شامل جمودفکری، کتمان حقایق و جهل و بینش محدود باشد که همواره در قرآن نیز به این خصوصیات اشاره شده است. قرآن کریم بارها درباره یهود و پنهان کردن حقایق تورات توسط دانشمندان و اقدامات خصمانه‌ای که به عمل می‌آورند نازل شده است. لازم به ذکر است که آنچه بنی اسرائیل در حوزه اندیشه و فکر نشان می‌دادند و نیز موضع‌گیری‌های فکری یهود در طول تاریخ طولانی خود، از مهمترین بحث‌هایی است که قرآن به آن پرداخته است و آن را مورد انتقاد قرار داده است. توجه به آنچه قرآن در باب جهت‌گیری فکری و مواضع اعتقادی یهود بیان کرده و افشاگری‌های خداوند در این باره ما را در شناخت یهود و تعلل عملکرد آنها و همینطور چگونگی برخورد با آنها یاری می‌کند.

در تفسیر الکاشف یکی از مهمترین شاخص‌های یهود، کتمان حقایق بیان شده است. که در آیات قرآنی نیز خداوند به این موضوع پرداخته است. «أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ...» (اعراف / ۱۶۹) آیا از ایشان پیمان نگرفته اند که درباره ی خدا جز به راستی سخن نگویند: حال آنکه آنچه در آن کتاب آمده بود، خوانده بودند». در آیه ی زیر نیز به صورت صریح و موجز، هم به پنهان کاری (کتمان حقایق) و هم دین فروشی، آن هم در مقابل بهایی اندک، توسط اهل کتاب اشاره شده است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ؛ (آل عمران/ ۱۸۷).

و هنگامی که خدا از کسانی که (اهل کتاب) کتاب به آنها داده شده پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید، ولی آنها آن را پشت سر افکندند و به بهای کمی فروختند و چه بد متاعی می‌خرند». و در آیه ای دیگر می‌فرماید: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ

بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ (آل عمران / ۷۱). ای اهل کتاب (یهود و نصارا) چرا حق را با باطل مشتبه می کنید و حقیقت را پوشیده می دارید؛ در حالی که می دانید؟

برابر نتیجه به دست آمده از تفسیر الکاشف یکی دیگر از شاخص های قوم یهود کتمان حقایق و آمیختن حق و باطل بود. یکی از مهمترین تبیین ها در این زمینه را می توان مربوط به کتمان حقیقت کتاب خدا تورات دانست، چراکه همیشه آنچه را موافق میلشان بود، آشکار و آنچه خلاف میل آنها بود، کتمان می نمودند. قرآن کریم به جایگاه بسیار پست و سخیف کتمان حقایق پرداخته و به توییح و تقبیح کتمان کنندگان می پردازد، به عنوان مثال در آیه ۷۱ سوره آل عمران؛ «یا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می آمیزید و) مشتبه می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می دارید در حالی که می دانید؟ همچنین خداوند متذکر میشود که اهل کتاب به خوبی، حقایق را میشناسند چون تمامی خصوصیات آن جناب را در کتب خود دیده اند، ولی به صورت کاملاً آگاهانه آنها را پنهان میکنند؛ «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»؛ کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می شناسند (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند.

یکی دیگر از شاخص های موجود قوم یهود در تفسیر الکاشف جهل و بینش محدود یهودیان است. ساخت ذهنی این مردم به گونه ای شکل یافته بود که کمتر نوآوری و تغییری را در خود می پذیرفت. ارزش ها و باورهای دوره فرزند کشی فرعون به حدی عمقی و ساختاری بود که آثار و بقایای آن دوران تا امروز نیز باقی مانده است. به دلیل همین شاخص جهل و بینش محدود در قوم یهود، اکثر آنها خدای تعالی را جز جسمی از اجسام تصور نمی کردند و به طوری که از ظاهر نسخ موجود تورات نیز بر می آید، خدا را جوهر الوهی می پنداشتند که از نظر شکل شبیه انسان است. به همین دلیل هر چه موسی (ع) آنها را به معارف الهی و حقیقی نزدیک می کرد، نتیجه اش صرفاً این بود که فقط صورت و شکل خدا را در ذهن خود تغییر می دادند. به همین سبب طبق آیه شریفه ۱۳۸ سوره اعراف «وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» وقتی در مسیر راه به قومی برخوردند که دارای بتهایی بودند و آنها را می پرستیدند، عمل آنها را پسندیدند و آرزو کردند آنها نیز چنین

بتهایی داشته باشند. این راهبرد در قوم یهود همچنان ادامه یافته تا این که امروز نیز به وضوح در صهیونیست‌ها مشاهده می‌شود.

به طور خلاصه

۱. افراد ناصالح یهود، گاهی در کشمکش وجدان و منافع مادی قرار می‌گیرند و مدت کوتاهی پشیمان می‌شوند، ولی به زودی با امیدهای کاذب به بخشش الهی، به سوی سرمایه‌های ناپایدار دنیا بازمی‌گردند.

۲. در قرآن به پیمان خدا با بنی‌اسرائیل اشاره شده است که از طریق کتاب تورات به آنان ابلاغ شده بود که حق گو باشند و به خدا نسبت ناروا ندهند، ولی آنان با آن که این مطالب را خوانده و وارث این کتاب بودند، دنیاطلب شدند و حق را رها کردند و به اسلام ایمان نیاوردند و پیمان شکنی کردند.

۳. علائم فروپاشی رژیم صهیونیستی، هم در عرصه‌های جنگ‌های نظامی و هم در عرصه‌های دیپلماتیک و اقتصادی و استراتژیکی، هرروز بیشتر از روز قبل نمایان می‌گردد. با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی بر اساس ترور و کشتار مردم مظلوم و مسلمان فلسطین و با آرمان حکومت بر نیل تا فرات، موجودیت خود را اعلام کرد و یک ارتش افسانه‌ای و خودساخته از خود جلوه داده است.

۴. حس نبود امنیت و آرامش و سرگردانی و ناتوانی رژیم صهیونیستی تا آنجایی است که موجب شده با حربه‌های مختلفی چون تخریب منازل و توسعه شهرک‌های صهیونیستی و ایجاد دیوار حائل بین خود و نیروهای مقاومت فلسطین و ایجاد و ساخت گنبد آهنین و حکومتی که تاکنون نتوانسته است هیچ‌گونه امنیت و آسایش برای ساکنین خود ایجاد کند و حتی باعث کاهش ایجاد اعتماد دولت‌های غرب و حتی ایادی ظلم نسبت به خود شده‌اند.

۵. یهود صهیونیسم و رژیم صهیونیسمی در تحقق خواست خویش، که همان چیرگی و سردمداری است بر دارایی‌های مردم و عقاید آنها تلاش به سزایی می‌کند، و در این راستا از هر امکانی بهره می‌گیرد. پس دشمن‌شناسی باید نخستین گام ما در رویارویی با آنان باشد که اگر این نباشد بردگی و نابودی کمترین رهاورد این کاهلی در شناخت دشمن خواهد بود.

۶. در تقابل با صهیونیسم به بازتعریف سیاست عملی پیامبر در مقابل یهود پرداخته و آیات قرآنی در این زمینه را الگوی سیاست عملی خود قرار داده و چون این دو پدیده یهود و صهیونیسم صفات هویت یکسانی دارند می‌توان با شناخت هویت یهود به هویت یهود صهیونیسم معاصر پی برد.

فهرست منابع

- قرآن.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۳۷۰-۱۳۷۱)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی..
- آجیلی، هادی، (۱۳۹۰)، *یهود و صهیونیسم از منظر قرآن کریم*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- احمدی، محمد، (۱۳۷۶)، *پژوهه صهیونیست*، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه.
- ایروانی، محمدجواد، (۱۳۸۳)، *علائم بحران در اقتصاد رژیم صهیونیستی*، تهران: قبله اول.
- بهرامی، محمد، (۱۳۸۰)، *روش‌شناسی تفسیر الکاشف*، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۲۷، ص ۲۷۷-۲۴۸.
- حی، یهودا، صدوری‌پور، امیرحسین، آبراهام کهن، (۱۳۹۰)، *گنجینه‌ای تلمود*، ترجمه امیرفریدون گرگانی، *یهوشوع تن‌آلی*، نشر اساطیر، جلد دوم، تهران
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۷)، *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، تهران: انتشارات ناهید.
- خزائی، سمیه، (۱۳۸۹)، *بن مایه‌های دینی و تاریخی صهیونیسم*، قم: موسسه بوستان کتاب.
- خمینی، سید روح‌الله... الموسوی، (۱۳۸۷)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- خواججه‌زاده، لیلا، حسینیان، فهیمه السادات، (۱۳۹۴)، *تیپ‌شناسی اجتماعی قوم بنی‌اسرائیل*، قم: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران).
- دینیوف، ف، *نظریات العنف فی الصراع الایدئولوجی*، ترجمه سحر سعید، (۱۹۸۲)، دمشق: دارالدمشق للطباعة و نشر.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، *مقدرات الفاظ القرآن*، لبنان: دارالمعلم.
- رافعی، ابوالفضل، (۱۳۹۱)، *هولوکاست، افسانه یا واقعیت؟*، تهران: قبله اول.
- رامهرمزی، معصومه، (۱۳۸۹)، *یهود در قرآن*، اسرائیل در فلسطین، تهران: جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
- روحانی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، *حکم غیابی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- رویوران، حسین، (۱۳۹۹)، مهمترین چالش‌های رژیم صهیونیستی در محیط بین‌المللی، تهران: قبله اول جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
- سلطان شاهی، علیرضا، (۱۳۹۹)، یهود ستیزی؛ واقعیت یا دستاویز سیاسی، قم: شهید کاظمی.
- شاهاک، اسرائیل، (۱۳۸۰)، نژادپرستی دولت اسرائیل، ترجمه امان‌الله ترجمان، تهران: پرشکوه.
- شاهاک، اسرائیل، (۱۳۷۶)، تاریخ یهود، مذهب یهود بار سنگین سه هزاره، ترجمه مجید شریف، تهران: نشر چاپخش.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۴۱۵)، تفسیر القرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار.
- صفتاج، مجید، (۱۳۸۱)، تروریسم صهیونیستی، تهران: جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی، (۱۳۷۴)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم حسین نوری همدانی، تهران: انتشارات فراهانی.
- عبد الفتاح طباره، عقیف، (۱۳۸۰)، چهره یهود در قرآن، ترجمه سیدمهدی آیت‌اللهی، تهران: جهان آرا.
- علیرضا، سلطان شاهی، (۱۳۹۹)، یهود ستیزی واقعیت یا دستاویز سیاسی، قم: انتشارات شهید کاظمی.
- فلسطین از نهر تا بحر مجموعه مقالات اجتماعی سیاسی قدس و فلسطین، (۱۳۹۸)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
- فیندی، پل، (۱۳۷۹)، فریب‌های عمدی، مترجم محمدحسین آهویی، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- قاسمی، حاکم، (۱۳۹۳)، پایه‌ها و پیامدهای صهیونیسم، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاظمی، علی، (۱۳۷۷)، مفسر عالی قدر محمدجواد مغنیه و آثار او، بی‌جا.
- گارودی، روزه، (۱۳۷۴)، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گارودی، روزه، (۱۳۷۷)، اسطوره‌ای بنیان‌گذار سیاست اسرائیل، ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی، تهران: گوهرشاد.
- مرتضی، مطهری، (۱۳۹۱) مجموعه آثار، جلد ۱۹، تهران: انتشارات صدرا
- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، مترجم موسی دانش، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۸۵)، تجارب محمدجواد مغنیه، تهران: انوار الهدی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۶)، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات اسلامی.
- منتظری، حسینعلی، (۱۳۸۱)، المکاسب المحرمه، قم: تراث شیخ العظیم،
- نویهض، عجاج، (۱۳۷۳)، پروتکل‌های دانشوران صهیون، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

